

بحرانهای پولی در اقتصاد مصر

ریشه ها و احتمالات

محمود حسن، از مآت العملة فى الاقتصاد

المصرى، الجذور والاحتمالات « كراسات

استراتیجیة»، القاهرة: مركز الدراسات السیاسیة و

الاستراتیجیة، السنة العاشر، ۲۰۰۰، ۳۴ صفحه.

عبدالرضا همدانی، کارشناس مرکز پژوهشهای

علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه

۲۲- مرکز فلسطینی اطلاعات حقوق بشر،
تأثیر سیستم مجوز کار بر کارگران فلسطینی در
اسرائیل، قدس: مرکز، ۱۹۹۲، ص ۵.
۲۴- همان، ص ۵.

۲۵- گزارش از وضعیت کارگران اراضی اشغالی عرب،
صآمد الاقتصادی، سال ۳، شماره ۱۷، ژوئن ۱۹۸۰،
صص ۵۴-۵۵.

۲۶- عادل وزوز، اقدامات اسرائیل بر ضد کارگران فلسطینی
و جنبشهای سندیکایی در دولت اشغالی فلسطین
سال ۱۹۶۷ تا ۱۹۸۹، رام الله، مرکز الدراسات
العالمیة، ۱۹۹۰، ص ۲۶.

۲۷- ابو عطیة، واقع الطبقة العاملة فى النصفه الغربیه و
قطاع غزة، ص ۱۵۰.

۲۸- الصدفی، گزارش اوضاع کارگران عرب در اراضی
اشغالی پس از سال ۱۹۶۷ و آزار و ستم نژادی،
ص ۱۴۲.

۲۹- الصدفی، همان، ص ۱۴۸.

۳۰- الصدفی، همان، ص ۱۴۸.

۳۱- همان، ص ۱۴۷.

۳۲- مناطق اشغالی: از انتشارات موسسه پژوهشهای
فلسطین، سال ۵، شماره ۱۷، سپتامبر ۱۹۷۵،
ص ۴۶۰.

۳۳- قسطنامش، طرد العمال العرب مأزق اقتصادى سیاسى،
ص ۲۷.

۳۴- تیسیر العارورى، الفوائد التي تجنيها اسرائيل من
احتلالها لنصفه الغربیه و قطاع غزة، صآمد الاقتصادی،
سال ۱۲ شماره ۷۹، ژانویه-مارس ۱۹۹۰، ص ۱۳۳.

۳۵- جمال سالم، معد، دعم
صمود القوى العاملة فى المناطق المحتلة،
صآمد الاقتصادی، سال ۶، شماره ۴۹،
می-ژوئن ۱۹۸۴، ص ۸.

۳۶- برای اطلاع بیشتر، مراجعه کنید به نزاعات العمل و
الاضطرابات أجد مظاهر الأزمة الاقتصادية والاجتماعية
فى الكيان الصهيونى، الأرض ۷، آوریل ۱۹۸۱.

۳۷- عادل سماره، طرد عمالنا من اسرائيل والبدائل
المطلوبه، صآمد الاقتصادی، سال ۱۱، شماره ۷۵،
فوریه-مارس ۱۹۸۹، ص ۸۱.

۳۸- سماره، اقتصاد المناطق المحتلة: التخلف بعمق
اللاحق، ص ۹.

39. CBS, *Statistical Abstract of Israel*,
various issues.

مقدمه:

طی دو دهه اخیر قرن بیستم میلادی،

بحرانهای پولی متعددی در نقاط مختلف

جهان رخ داد، بطوری که اقتصاد دانان و

سیاستمداران به صرافت افتادند تا علل وقوع

چنین بحرانهایی را، به عنوان نخستین گام

در جهت پیشگیری و علاج واقعه، دریابند. با

این وجود اقتصاد دانان تنها کاری که

می توانند انجام دهند، ایجاد سیستم هشدار

سریع (Early Warning System) می باشد.

در این میان اقتصاد مصر نیز در

بیست و پنج سال گذشته با چند بحران پولی

مواجه شد، بهطوری که از ارزش واحد پول

ملی این کشور در برابر سایر ارزهای معتبر

بین‌المللی به شدت کاسته شد.

اول- بحرانهای پولی

- آمار زیر بیانگر سیر نزولی پوند مصر در برابر دلار آمریکا در چند سال گذشته می‌باشد.
- ۱- ژانویه ۱۹۷۹، ۱ دلار = ۰٫۷ پوند
 - ۲- ژوئیه ۱۹۸۱، ۱ دلار = ۰٫۸۴ پوند
 - ۳- مه ۱۹۸۴، ۱ دلار = ۱٫۱۸ پوند
 - ۴- ۱۹۹۱، ۱ دلار = ۳۳۳ پوند
 - ۵- ۱۹۹۸، ۱ دلار = ۳۴۲ پوند
- بحران پولی در مصر در دو سال گذشته نیز ادامه داشته است به طوری که واردات کالا به دلیل همین بحران با مشکلاتی مواجه بود و این احتمال وجود دارد که از ارزش پول این کشور بازهم کاسته شود.
- این گزارش در صدد است تا به اختصار علل وقوع بحرانهای پولی در کشورهای مختلف را برشمارد و ویژگیهای عمومی و مشترک آنها را شناسایی کند تا تفسیر و تحلیل صحیحی از دلایل وقوع چنین بحرانهایی بدست آید. در پایان نیز مهمترین علل وقوع بحران پولی در مصر آورده خواهد شد.
- الف - مفهوم بحرانهای پولی: بسیاری از بحرانهای پولی را تحت عنوان بحرانهای اقتصادی یا بحرانهای مالی می‌شناسیم، این گونه بحرانها ممکن است به تنهایی بوقوع پیوندند و یا اینکه با تاثیر بر روی یک بخش از سیستم پولی، حالت فوق‌العاده‌ای را ایجاد کنند. برای مثال بحران نظام بانکی (Banking Crisis) بانکها را دچار ناتوانی در بازپرداخت وامها می‌کند به طوری که سیستم بانکی نیازمند جذب هرچه بیشتر پول می‌شود.
- در بحران سیستم مالی (Systemic financial Crisis) در بازار پولی آنچنان اختلالاتی بوجود می‌آید که سیستم دچار ناتوانی شبه‌کاملی می‌شود.
- در بحران وامهای خارجی (Foreign Debt Crisis) سیستم مالی در پرداخت وامهای بخش خصوصی یا دولتی ناتوان می‌شود و بالاخره در بحران ارزی (Currency Crisis) بسیاری از ذخایر ارزی کشور مصرف می‌شود و در نهایت از ارزش پول ملی کاسته شده و یا این که دولت مجبور به کاهش ارزش پول ملی می‌شود.

بنابره نظر اقتصاد دانانی همچون جفری فرانکل (Jeffery A. Frankel) و اندرو

روز (Andrew K. Rose) بحران پولی زمانی بوقوع می پیوندد که حداقل ۲۵ درصد از ارزش اسمی پول کاسته شود.

بعضی دیگر از اقتصاد دانان به وجود نوعی بحران توأمان (Twin Crisis)

اعتقاد دارند که درون سیستم پولی رخ می دهد به طوری که در کنار بحران مالی، بحرانی در میزان پرداختها [خروج پول از سیستم بانکی] روی می دهد و از ارزش پول کاسته می شود.

۳- ضعف بنیه مالی: بسیاری از کشورهای در حال توسعه، سیستمهای مالی محدود و

مقیدی دارند و اصولاً این سیستمها با هیچ گونه رقابتی مواجه نمی باشند. این کشورها زمانی که سیستمهای مالی خود را قدری آزاد می کنند و از سرمایه های خارجی در اقتصاد ملی خود استفاده می نمایند به دلیل اینکه مسئولان عالیرتبه این سیستمها از مهارتهای آگاهی دهنده ریسک یا خطر (Risk-monitoring skills) بی بهره اند، دچار مشکلاتی در خصوص جذب و استفاده بهینه از سرمایه ها می شوند.

ب- ریشه بحرانهای پولی:

۱- عدم ثبات در متغیرهای اقتصادی کلان: در این حالت مسئولان اقتصادی سیاستهای مالی را به گونه ای طراحی می کنند که باعث اخذ وامهای سنگین از دیگر کشورها و در نتیجه ایجاد مشکلات متعددی در باز پرداخت این وامها می شود. در این وضعیت برای جلوگیری از تورم مسئولان اقتصادی تلاش می کنند تا سیاستهای محدود کننده ای را اعمال کنند ولی در نتیجه چنین اقدامی فعالیتهای اقتصادی با رکود

۴- «سرایت» بحرانهای خارجی: یکی دیگر از عوامل بروز بحرانهای مالی، انتقال عوارض عدم ثبات بازارهای پولی بین المللی از کشوری به کشوری دیگر می باشد. در این حالت ممکن است کشورهایی که دارای بنیانهای اقتصادی سالمی نیز هستند به دلیل روابط مالی و بازرگانی خود با دیگر کشورها از عواقب چنین بحرانی مصون نمانند.

۵- مسائل روانی: هنگامی که جامعه با عدم شفافیت و بلاتکلیفی (Indeterminacy) در قبال برخی از مسائل اقتصادی مواجه می شود، شایعات مختلف به سرعت رواج می یابند و در نتیجه بازار دچار اضطراب می شود و بحرانی در عرضه و تقاضا پدید می آید.

دوم: الگوهای تفسیر بحرانهای پولی

الف- الگوهای سنتی تفسیر بحران پولی:

الگوهای سنتی عموماً مهمترین دلایل بروز بحرانهای پولی را در ضعف زیر بنای اقتصادی دانسته و اصیل ترین عارضه این ضعف را کاهش ذخایر ارزی دولت

قلمداد می کنند. این الگوها به شرح زیر هستند:

۱- الگوی کروگمن (Krugman): در این الگو بین باز پرداخت وامهای خارجی و توسعه اقتصادی داخلی حالتی از عدم تعادل پدید می آید که در نتیجه آن ذخایر ارزی سریعتر از میزان پیش بینی شده هزینه می گردند و در نتیجه از ارزش پول ملی به تدریج کاسته می شود.

۲- الگوی اوبستفلد (Obstfeld): براساس این الگو بحران پولی در دو حالت پدید می آید. حالت نخست زمانی است که در بازار این احساس ایجاد و تقویت شود که از ارزش پول ملی به زودی کاسته خواهد شد. حالت دوم بر بنیاد پدیده جهانی شدن و ضعف دولت ملی مبتنی است که در نتیجه دولت برای دفاع از ارزش پول ملی مقداری از ذخایر ارزی خود را مصرف می کند اما در نهایت از ارزش پول ملی کاسته می شود.

ب- الگوی مدرن تفسیر بحرانهای پولی:

۱- الگوی اپیدمی یا سرایت بحرانهای خارجی: ارتباط میان بازارهای مالی منطقه ای (Interregional trade in assets) و بازارهای

جهانی اینک به قدری تنگاتنگ شده است که تغییرات بازار بورس جهانی نیویورک به سرعت بر بازار آسیای جنوب شرقی اثر می‌گذارد و به این ترتیب پولهای ملی ضعیف‌تر بیش از دیگر واحدهای پولی آسیب‌پذیر می‌گردند.

۲- الگوی خطر اخلاقی: منظور از خطر اخلاقی و معنوی دخالت عامل انسانی «عمداً یا سهواً» در ایجاد بحرانهای مالی است. این عامل انسانی می‌تواند در رفتار شرکتهای بزرگ یا مؤسسات پولی نیز تجلی یابد و نحوه حضور آنها در اقتصاد یک کشور یا منطقه باعث بروز بحران در رشد اقتصادی و گسترش فساد مالی شود.

۳- الگوی اخطار (Signals Model): الگوی اخطار به مثابه یک سیستم هشدار سریع در زمان بروز بحرانهای مالی عمل می‌کند. در این الگو مجموعه‌ای از متغیرهای اقتصادی تحت نظر قرار می‌گیرند و با بروز هر نوع اشکالی، به سایر بخشهای اقتصادی - مالی اخطار داده می‌شود.

سوم: بارزترین نشانه‌های بحرانهای پولی

الف- نشانه‌های اقتصادی عمومی: بنا به اعتقاد اقتصاددانان، نشانه‌هایی از قبیل کاهش تولید ناخالص ملی و افزایش میانگین تورم می‌توانند در بروز یک بحران پولی سهم عمده‌ای را ایفا نمایند.

ب- نشانه‌های بخش خارجی: کاهش بهای صادرات و یا افزایش بهای واردات کالا باعث می‌شود تا هم بازرگانان نتوانند وامهای خود را در موعد مقرر باز پرداخت کنند و هم دولت که بر درآمدی نظیر درآمد نفت خام اتکا دارد نتواند به آن درآمد مورد نظر دست یابد. در نتیجه بودجه ملی دچار کسری شده و ارزش پول ملی روبه کاهش می‌نهد.

ج- نشانه‌های بخش مالی (Financial sector): مواردی از قبیل میانگین نرخ واقعی بهره بانکی، میزان رشد ذخایر مالی و ... می‌توانند به خوبی نمایانگر بروز یا عدم بروز بحران در سیستم مالی باشند.

د- نشانه‌های بخش واقعی (Real sector): میانگین رشد تولید ناخالص ملی، میانگین درآمد سرانه، میانگین نرخ متوسط بیکاری و

میانگین رشد دستمزدها از نشانه‌های این بخش می‌باشند.

هـ- نشانه‌های توازن بودجه دولت: این نشانه‌ها شامل نسبت کسری بودجه به تولید ناخالص ملی و نسبت هزینه‌های دولت با درآمد‌های پیش‌بینی شده و مواردی از این قبیل می‌باشد.

چهارم: نشانه‌های بحران پولی در اقتصاد مصر (۱۹۸۸-۹۹)

در این بخش با استفاده از آمارهای مالی بین‌المللی (IFS) که صندوق بین‌المللی پول در رابطه با مصر جمع‌آوری نموده است به مهمترین نشانه‌های احتمال وقوع یک بحران مالی در این کشور اشاره می‌گردد.

۱- افزایش نقدینگی جاری: مصرف

ذخایر ارزی، یکی از راه‌های افزایش نقدینگی است. دولت مصر در سالهای ۹۰-۱۹۸۸ بین ۲٫۸ تا ۳٫۲ درصد از ذخایر ارزی خود را برای افزایش حجم نقدینگی جاری هزینه نمود. این اقدام در سال ۱۹۹۱ به نحوی سابقه‌ای افزایش یافت و به ۱۰ درصد از ذخایر ارزی رسید، اما طی

سالهای ۹۸-۱۹۹۶ دولت مصر با اتخاذ سیاستهای اقتصادی مالی توانست افزایش حجم نقدینگی را در حدود سالانه ۶ درصد کنترل نماید.

۲- نسبت نقدینگی جاری به ذخایر

ارزی: گرچه پس از پایان جنگ خلیج فارس در سال ۱۹۹۱ بسیاری از بدهیهای خارجی مصر از سوی کشورهای عربی دیگر باز پرداخت شد و مصر توانست سیاستهای پولی خود را بار دیگر سازماندهی کند، اما طی چند سال گذشته با کاهش ذخایر ارزی و افزایش نقدینگی جاری این احساس پدید آمده است که تغییرات محسوسی بوقوع خواهد پیوست و از ارزش پوند مصری بازهم کاسته خواهد شد، هر چند که مقامات مالی اعلام کرده‌اند این وضعیت را تحت کنترل قرار داده‌اند.

۳- نسبت مجموع پرداختها به

تولید ناخالص ملی: هر چقدر این نسبت بالاتر باشد خطر کاهش ارزش پول بیشتر می‌شود. نسبت مجموع پرداختهای داخلی و خارجی دولت مصر به تولید ناخالص ملی این کشور طی سالهای ۹۰-۱۹۸۸ بین ۲۷ الی ۳۲ درصد بود اما پس از جنگ خلیج فارس و

بخشش قسمت عمده‌ای از وامهای مصر این نسبت رو به کاهش نهاد و در سالهای ۹۹-۱۹۹۸ بین ۱۹ تا ۲۰٫۲ درصد در تغییر بود. با این حال هنوز پوند مصر ثبات لازم را نیافته و این بیم وجود دارد که هرگونه فشاری بر پوند ممکن است به بروز بحران مالی منجر شود.

۴- نسبت اعتبارات داخلی به تولید ناخالص ملی: این نسبت نیز همچون نسبت شماره سه همواره پر تحول و در سطحی مخاطره‌آمیز بوده است و تداوم آن موجب می‌شود تا بحران مالی دیر یا زود بوقوع بپیوندد.

۵- نسبت سپرده‌های بانکی به تولید ناخالص ملی: برخلاف موارد پیشین هر چقدر نسبت سپرده‌های بانکی به تولید ناخالص ملی کمتر باشد احتمال وقوع بحرانهای پولی بیشتر است. در مصر این نسبت طی سالهای ۹-۱۹۹۱ سیر نزولی تدریجی داشته است به طوری که از ۷۱ به ۶۲٫۷ درصد رسیده است. به این ترتیب اگر مسئولان اقتصادی مصر برای حل این معضل چاره‌اندیشی نکنند، بروز بحران پولی محتمل‌تر خواهد بود.

۶- تغییر ذخایر ارزی: دولتها از ذخایر ارزی در جهت حمایت از پول ملی در مقابل سایر ارزهای خارجی استفاده می‌کنند، مصر نیز در سالهای ۹۰-۱۹۸۸ شاهد کاهش پی‌درپی ذخایر ارزی بود. تنها در سه ماه آخر سال ۱۹۹۰، ۳۰ درصد از ذخایر ارزی این کشور کاسته شد ولی به دنبال بخشش قسمت عمده‌ای از وامهای خارجی مصر، این وضعیت بهبود یافت. ذخایر ارزی مصر تا سال ۱۹۹۷ تقریباً از حجم ثابتی برخوردار بود اما از نیمه دوم این سال تاکنون این ذخایر در حال کاهش است و عملاً زنگ خطر برای پول ملی مصر به صدا درآمده است.

۷- میانگین بهره واقعی داخلی: بالا بودن میانگین نرخ بهره‌ها، احتمال بحران و رکود اقتصادی را افزایش می‌دهد. در مصر نیز میانگین نرخ بهره‌ها تا قبل از جنگ خلیج فارس در حدود ۳۳ درصد بود ولی در سالهای ۹-۱۹۹۸ این میانگین به ده درصد رسید که این مسئله بیانگر توجه مسئولان اقتصادی مصر و عدم بروز بحران [حداقل در کوتاه مدت] می‌باشد.

۸- نسبت میانگین بهره وامها به

میانگین سود بانکی: اگرچه این نسبت یک نشانه غیر مستقیم به شمار می‌رود ولی از آنجا که ثبات این نسبت بیانگر کارایی سیستم بانکی کشورها در جذب سرمایه و اعطای وام دارد، از اهمیت خاصی برخوردار است. در مصر این نسبت طی سالهای ۱۹۹۵ تا ۱۹۹۹ از ثباتی نسبی برخوردار بوده است.

۹- نرخ واقعی پول: افزایش ناگهانی

نرخ واقعی پول در صورتی که با برنامه ریزی صحیح اقتصادی همگام نباشد، می‌تواند بر اقتصاد ملی تأثیرات ناگواری برجای نهد. این افزایش باعث می‌شود تا از سویی صادرات کاهش یابد و از سوی دیگر بر میزان واردات افزوده شود و در نتیجه اقتصاد ملی منقبض گردد. در مصر همزمان با افزایش نرخ پوند، تقاضا برای خرید ارز خارجی نیز بیشتر می‌شود بدین ترتیب پوند مصر تحت فشار قرار می‌گیرد و احتمال وقوع بحران پولی افزایش می‌یابد.

نتیجه:

بررسی فوق نشان می‌دهد که موارد شماره ۴، ۵، ۶ و ۹ بیانگر احتمال جدی

وقوع بحران پولی در اقتصاد مصر و موارد ۲ و ۳ بیانگر احتمال نسبی بروز بحران و موارد ۱، ۷ و ۸ بیانگر احتمال بسیار ضعیف بروز بحران پولی در سال ۲۰۰۰ در اقتصاد مصر می‌باشد.

